

۱. استانبول، لنینگراد، قاهره<sup>۲</sup>، پاریس، لندن<sup>۳</sup>، برلین، ظفرنامه: بود؛ لیدن: برد.

۲. لندن، لنینگراد، پاریس، سن ژوزف، ظفرنامه: ز؛ قاهره، قاهره<sup>۲</sup>، سعدلو: -از.

۳. لندن، واتیکان، لندن<sup>۳</sup>، لنینگراد<sup>۲</sup>، سعدلو، سن ژوزف: سبب (لندن: شب) مشتری بود (سن ژوزف: دید) و طالع کمان؛ استانبول، لنینگراد، قاهره<sup>۲</sup>، لیدن، پاریس، لندن<sup>۳</sup>، برلین، ظفرنامه: نبودش مگر مشتری و (قاهره<sup>۲</sup>، لیدن: در) کمان؛ قاهره: تن مشتری دید و طالع کمان؛ متن: فلورانس، آکسفورد.

۴. سعدلو، سن ژوزف: توز.

۵. لندن، استانبول، لنینگراد، قاهره، قاهره<sup>۲</sup>، لیدن، پاریس، واتیکان، آکسفورد، لندن<sup>۳</sup>، برلین، سن ژوزف، ظفرنامه: خداوند خورشید (آکسفورد، سعدلو: خورشید و) سعد (لیدن: شیر) دلیر؛ لندن<sup>۳</sup>: چو آید به خورشید سعد دلیر؛ لنینگراد<sup>۲</sup>: خداوند شمشیر و سعد دلیر؛ متن: فلورانس.

۶. لندن، قاهره، پاریس: کشف طالع آمد؛ استانبول، لنینگراد، قاهره<sup>۲</sup>، لیدن، واتیکان، آکسفورد، لندن<sup>۳</sup>، برلین، لندن<sup>۳</sup>، لنینگراد<sup>۲</sup>، سعدلو، سن ژوزف، ظفرنامه: کشف دید طالع؛ متن: فلورانس.

### شرح اختلافات نسخ

اختلاف نسخه‌ها و چاپ‌ها بر دو نوع است:

- نوع اول در افعال و حروف یا جابه‌جایی کلمات است که در غرض اصلی ابیات نقشی ندارد؛ به شرح زیر:

۱م/ب: ۱/جُست/بود؛ از/ز/ -از

۲م/ب: ۱/دید/بود؛ نبودش مگر/سبب... بود

۱م/ب: ۲/تور/توز

۲م/ب: ۲/و سعد/سعد

۲م/ب: ۳/دید طالع/طالع آمد

- اما کلمات اصلی که اطلاعات نجومی ابیات از آنها استخراج می‌شود، عبارتند از:

ب: ۱: اختر، ستاره/سبب، زحل/مشتری، طالع، کمان

ب: ۲: طالع، شیر، خداوند، بهرام/خورشید، برخون/سعد

ب: ۳: اختر، حمل/کشف، طالع، خداوند، ماه

همانگونه که مشاهده می‌شود، اختلاف در کلمات «اختر، طالع،

## طالع پسران فریدون به دو روایت

محمود مدبری

استاد دانشگاه شهید باهنر کرمان  
modaberi2001@yahoo.com

در داستان فریدون شاهنامه، پیش از بخش کردن جهان بر پسران، مطلبی با عنوان «گفتار اندر آزمون کردن شاه آفریدون پسران را به‌ناشناس» آمده که خود شامل چند مطلب است: نخست آزمون فریدون پسران را در کالبد اژدهایی، تا عکس‌العمل آنها را بسنجد؛ دوم نامگذاری پسران به سلم و تور و ایرج بر همین اساس، چون تا آن زمان بی‌نام بودند، و نیز نامگذاری سه دختر شاه یمن به نام‌های آرزوی، ماه آزاده‌خوی و سَهی؛ سوم دیدن طالع پسران و نگرانی از آنچه در طالع‌ها دیده می‌شود، در پایان این بخش.

اختلاف نسخ در این سه بیت پایانی، بسیار زیاد است، اما قابل تقسیم‌بندی به دو روایت است که در اینجا به بررسی و تحلیل آنها پرداخته می‌شود. در ابتدا سه بیت مزبور از شاهنامه<sup>۱</sup> دکتر خالقی مطلق نقل می‌گردد و سپس اختلاف نسخه‌های کهن و معتبر مورد استفاده همین چاپ، به‌علاوه اختلافات نسخه‌های سعدلو، سن ژوزف و حاشیه ظفرنامه آورده می‌شود:

به سلم اندرون جُست<sup>۱</sup> از<sup>۲</sup> اختر نشان

ستاره زحل دید و طالع کمان<sup>۳</sup>

دگر طالع تور<sup>۴</sup> فرخنده، شیر

خداوند، بهرام بر خون دلیر<sup>۵</sup>

چو کرد اختر فرخ ایرج نگاه

حمل دید طالع<sup>۶</sup>، خداوند، ماه

(فردوسی، ۱۳۶۸: ۱۰۶/۱)

کمان، شیر، خداوند، ماه» نیست؛ بلکه تنها در «ستاره/ سبب، زحل/ مشتری، بهرام/ خورشید، برخون/ سعد، حمل/ کشف» و به صورت دقیق‌تر در سه گونه «زحل/ مشتری، بهرام/ خورشید، حمل/ کشف» است.

با نگاهی به اختلافات نسخه‌ها مشخص می‌شود که کلمات «زحل، بهرام و حمل» تنها مربوط به نسخه قدیم فلورانس است و در مورد «زحل» نسخه آکسفورد هم ضبط فلورانس را تأیید می‌کند و باقی نسخ کهن، کلمات «مشتری، خورشید و کشف» را تأیید می‌کنند.

#### تحلیل روایات دستنویس‌ها

این بخش از داستان فریدون که در آن طالع فرزندان خود را می‌بیند، در ترجمه بنداری دیده نمی‌شود و ظاهراً در تدوین اول شاهنامه وجود نداشته است و در همه چاپ‌ها در متن آمده، به جز چاپ مسکو که مصححان آن را به ملحقات جلد اول برده‌اند. فریدون جنیدی این ابیات را از فردوسی نمی‌داند و نوشته است:

افزاینده‌ای که این سه رج را به داستان افزوده است، اندکی بیش از افزاینده‌گان دیگر آگاهی داشته است؛ اما بایستی دانستن که اختر فرزند را پس از زادن می‌نگرند، نه پس از بزرگ شدن و زن خواستن. (فردوسی، ۱۳۸۷: ۱/۱۱۷)

حال آنکه مشابه همین نظر بر طالع فرزند را در جای دیگر شاهنامه، یعنی در آغاز داستان رستم و اسفندیار هم می‌توان دید (رک. فردوسی، ۱۳۶۸: ۵/۲۹۵-۲۹۸).

براساس کلمات اصلی، می‌توان دو روایت از این طالع‌بینی را تشخیص داد:

- یکی روایتی که بیشتر منحصر به نسخه کهن فلورانس و طبعاً چاپ دکتر خالقی مطلق است، بدین شرح:
  - سلم. ستاره: زحل؛ طالع: کمان
  - تور. طالع: شیر؛ خداوند: بهرام
  - ایرج. طالع: حمل؛ خداوند: ماه
- دیگر روایتی مشهورتر که اکثر نسخه‌ها و بیشتر چاپ‌ها شامل آن می‌شوند:
  - سلم. سبب: مشتری؛ طالع: کمان
  - تور. طالع: شیر؛ خداوند: خورشید
  - ایرج. طالع: کشف؛ خداوند: ماه

#### روایت نخست

روایت نخست، بر مبنای نجوم احکامی و هیئت قدیم، اینگونه تحلیل می‌شود:

- در بیت اول، ستاره سلم (برادر بزرگ‌تر)، زحل (کیوان) یا نحس اکبر است (رک. بیرونی، ۱۳۶۲: ۳۵۶) و برج طالع او کمان (قوس) و زحل در نقطه «اوج» خود یعنی کمان قرار دارد (رک. شهردان‌بن ابی‌الخیر، ۱۳۸۲: ۱۹۱) و این یکی از نقاطی است که زحل در آن قوت می‌گیرد.

- در بیت دوم، برج طالع تور (فرزند میانی)، شیر (اسد) است و ستاره مدبر آن برج فلکی، بهرام (مربخ) یا نحس اصغر است (همان: ۶۱). بهرام در برج شیر (اسد) در نقطه «اوج» خود قرار دارد (همان: ۱۹۱). بنابراین ستاره هر دو برادر بزرگ‌تر، در اوج خود و در کمال بروز نحوست قرار دارند.

- در بیت سوم، ستاره ایرج، ماه (قمر) و خداوند و مدبر برج طالع او، حمل (بره) است. از نظر قوت ستاره، حمل برای ماه هیچ مناسبتی ندارد، چون ماه در حمل در دو منزل اول خود است، که به نام‌های شَرَطان (شَرَطین) و بُطین خوانده می‌شوند (بیرونی، ۱۳۶۲: ۱۰۸؛ همو: ۱۳۸۶: ۴۸، ۵۴۹، ۵۶۵) و قسمتی از منزل سوم که موسوم است به ثریا، با برج ثور مشترک است. ماه در این سه منزل در حالت هلالی و ضعیف دیده می‌شود و وضعیت ستاره ایرج درست برعکس ستارگان دو برادر دیگر است که در نقطه اوج و قوت خود واقع شده‌اند.

در این روایت سه صورت فلکی کمان/ قوس، اسد/ شیر و حمل/ بره در حالت تثلیث، یعنی دوستی کامل، قرار دارند که با عبارت «آشوبش و جنگ» در بیت آخر همخوانی ندارد و لذا این روایت بدین شکل نادرست می‌نماید.

#### روایت دوم

روایت دوم، بر مبنای نجوم احکامی و هیئت قدیم، اینگونه تحلیل می‌شود:

- در بیت اول، ستاره سلم، که سبب و خداوند طالع او است، مشتری (برجیس، هرمز) یا سعد اکبر است (رک. شهردان‌بن ابی‌الخیر، ۱۳۸۲: ۶۱؛ دُنسیری، ۱۳۵۰: ۷۰) که در یکی از «خانه»های خود، کمان (قوس) جای گرفته است. منجمان برای مشتری، دو «خانه» (قوس و حوت) یاد کرده‌اند (رک. بیرونی، ۱۳۶۲: ۳۹۶).

- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶). آثارالباقیه. ترجمه اکبر داناسرشت. تهران: امیرکبیر.
- \_\_\_\_\_ داعی الاسلام، سید محمدعلی (۱۳۶۲). فرهنگ نظام. حیدرآباد.
- \_\_\_\_\_ دُنیسری، شمس الدین محمد (۱۳۵۰). نوادر التبادر. به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- \_\_\_\_\_ دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه. تهران: دانشگاه تهران.
- \_\_\_\_\_ رشیدی، عبدالرشیدبن عبدالغفور (۱۳۳۷). فرهنگ رشیدی. به تصحیح محمد محمدملوی عباسی. تهران: کتابفروشی بارانی.
- \_\_\_\_\_ شهردان‌بن ابی‌الخیر (۱۳۸۲). روضة المنجمین. تصحیح جلیل اخوان زنجانی. تهران: میراث مکتوب.
- \_\_\_\_\_ فردوسی، ابوالقاسم (۱۸۲۸ م). شاهنامه. به تصحیح ترنر ماکان. کلکته.
- \_\_\_\_\_ (۱۸۷۷ م). شاهنامه. به تصحیح فولرس. لیدن: بریل.
- \_\_\_\_\_ (۱۹۶۰-۱۹۷۱). شاهنامه. مسکو: انستیتو خاورشناسی آکادمی علوم شوروی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۵۳). شاهنامه. به تصحیح ژول مول. تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۱). شاهنامه. به تصحیح سید محمد دبیرسیاقی. تهران: انتشارات علی اکبر علمی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۹). شاهنامه. به تصحیح محمد رضانی. تهران: انتشارات پدیده (کلاله خاور).
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۳). شاهنامه. به تصحیح مهدی قریب و محمدعلی بهبودی. تهران: انتشارات توس.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۷). شاهنامه. حاشیه ظفرنامه حمدالله مستوفی. چاپ عکسی از روی نسخه مورخ ۸۰۷ هجری. تهران: مرکز نشر دانشگاهی و انتشارات آکادمی علوم اتریش.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۹). شاهنامه همراه با خمسة نظامی. با مقدمه فتح‌الله مجتبیایی. تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶). شاهنامه. به تصحیح جلال خالقی مطلق. تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷). شاهنامه. به تصحیح فریدون جنیدی. تهران: نشر بلخ.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹). شاهنامه. نسخه برگردان دستنویس کتابخانه شرقی وابسته به دانشگاه سن ژوزف بیروت. به کوشش ایرج افشار، محمود امیدسالار، نادر مطلبی کاشانی. با مقدمه‌ای از جلال خالقی مطلق.
- \_\_\_\_\_ کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۸۵). نامه باستان. تهران: سمت.
- \_\_\_\_\_ محمد پادشاه (شاد) (۱۳۶۳). فرهنگ آندراج. به کوشش محمد دبیرسیاقی. تهران: انتشارات ختام.
- \_\_\_\_\_ مصفی، ابوالفضل (۱۳۵۷). فرهنگ اصطلاحات نجومی. تبریز: دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز.

\_\_\_\_\_ در بیت دوم، ستاره تور، خورشید (شمس) است که گاه از ستارگان سعد به حساب می‌آید و در «خانه» خود، شیر (اسد) جای گرفته است (همانجا). تعبیر و ترکیب «شیر و خورشید» که تا کنون باقی مانده، نشان‌دهنده قدرت این اصطلاح نجومی است که در فرهنگ عمومی ایرانیان اثرگذار و بادوام بوده است.

\_\_\_\_\_ در بیت سوم، ستاره ایرج، ماه (قمر) است که در برج طالع او، کشف (سرطان)، قرار دارد. سرطان خانه ماه (قمر) است (رک. بیرونی، ۱۳۶۲: ۹۶؛ آملی، ۱۳۸۱: ۳/۳۰۰).

نکته‌ای که در این روایت قابل تأمل است، اصطلاح «کشف» است. کشف به معنی سنگ پشت و صورتی از صور فلکی شمالی دانسته شده، که از ۱۲ برج فلکی منطقه البروج خارج است (رک. مصفی، ۱۳۵۷: ۶۲۷). ظاهراً تنها به خاطر این بیت است که بعضی از فرهنگ‌های لغت قدیم و جدید، آن را معادل برج سرطان یا خرچنگ گرفته‌اند (رک. برهان، رشیدی، آندراج، دهخدا، مصفی و... زیر «کشف»).

دیگر نکته قابل ذکر این است که در این روایت، هر سه ستاره مشتری، خورشید و ماه در خانه خود واقع شده‌اند و در اوج قدرت هستند. اما طالع دو ستاره برادران بزرگ‌تر، کمان و شیر، از بروج آتشی هستند (بیرونی، ۱۳۶۲: ۳۴۹، ۳۵۲) و با یکدیگر در «تثلیث»<sup>۱</sup> یعنی کمال دوستی قرار دارند. اما طالع ایرج، یعنی کشف (سرطان)، از بروج آبی است (همان: ۳۵۲) که از لحاظ مزاج صور فلکی کاملاً با بروج آتشی در مخالفت است.

با توجه به مطالب گفته شده، هر دو روایت دارای تحلیل و تفسیری احکامی هستند. تناسب روایت دوم از حیث احکام نجوم مستحکم‌تر است و ضبط غالب نسخه‌های خطی و چاپی را تأیید می‌کند.

#### منابع

- \_\_\_\_\_ آملی، شمس‌الدین محمد (۱۳۸۱). نفائس الفنون فی عرایس العیون. به تصحیح ابوالحسن شعرانی. تهران: اسلامیّه
- \_\_\_\_\_ برهان، محمدحسین بن خلف (۱۳۹۱). برهان قاطع. تصحیح دکتر محمد معین. تهران: امیرکبیر.
- \_\_\_\_\_ بیرونی، ابوریحان (۱۳۶۲). التفهیم لأوائل صناعة التنجیم. به تصحیح جلال‌الدین همایی. تهران: بابک.

۱. تثلیث آن است که دو برج به فاصله ۱۲۰ درجه (چهاربرج) از یکدیگر باشند (بیرونی، ۱۳۶۲: ۳۴۶؛ دُنیسری، ۱۳۵۰: ۶۳).